



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: متن قوانین - تصویبات - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - جشن نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی - سؤالات

سال پنجم - شماره ۱۲۹۴

صفحه ۸۵۶

پیر، نیند قمر شاهی

۱ شنبه ۹ مرداد ماه ۱۳۲۸

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۷۴۳

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

بقیه صورت مشروح مذاکرات دویست و پنجمین جلسه دور پانزدهم قانونگذاری از صفحه ۱ تا ۹ آگهی های رسمی ۱۱

مذاکرات مجلس

جلسه ۲۰۰

صورت مشروح جلسه روز سه شنبه چهارم مردادماه ۱۳۲۸

فهرست مطالب:

- ۱ - اخطار آقایان حائری زاده و آزاد
- ۲ - بیانات آقای مکی در موضوع نفت
- ۳ - تنفس و تشکیل مجدد مجلس
- ۴ - ختم جلسه

مجلس ده ساعت و پنج دقیقه بعد از ظهر بریاست آقای رضا حکمت بعنوان بعد از تنفس تشکیل گردید.

اساسی هم تصریح دارد ولی ما عمل نمیکنیم امشب به چه مناسبت ما اینجا جمع شده ایم تنفس که نیم ساعت بود و تمام شد جلسه به چه مناسبت تشکیل شده است؟ برای چه کار؟ برای تزیین حقوق ملت ایران من بموجب اینجاده تذکر میدهم که این جلسه رسمیت ندارد و تنفس تمام شده و عمر مجلس هم خاتمه یافته و مذاکرات این مجلس اساسی ندارد. رئیس - صبح که بنده نبودم گفتند جلسه بعنوان تنفس ختم شده است.

آزاد - بنده هم اخطار نظامنامه دارم آقای رئیس. رئیس - به حال خیر دادند که صبح مجلس را تعطیل کرده بودند و عصر جلسه خبر کرده اند و آقایان هم اینجا هستند و آقای مکی میتوانند اظهاراتشان را بفرمایند.

آزاد - بنده اخطار دارم.

رئیس - مطابق چه ماده ای؟

آزاد - مطابق ماده ۷۳.

رئیس - آنگاه اخطار کردند (آزاد) - بنده هم حق دارم اخطار کنم (من که نبودم تنفس داده اند حالا شما هم میخواهید اخطار کنید) بفرمائید.

آزاد - وکیل حق دارد که مواد نظامنامه را اینجا تذکر بدهد عرض کنم مقصود بنده از این تذکر این بود که مجلس شورای ملی مطابق این تصمیماتی که شده است ۱۳۶ نفر تشکیل دارد و حقوق تمام این ۱۳۶ نفر مساوی است بایکدیگر و وقتیکه در این مجلس میآیم برای میدهم که یک نفر رئیس باشد یا یک نفر نایب رئیس باشد برای اینکه مقررات و قوانین که بایشان سیرده میشود اجرا بکنند و الا هیچوجه من الوجوه یکی بر دیگری فضیلت ندارد برای اینکه

است مگر اینکه هیچ مطلبی چه برای مذاکره و چه برای رای موجود نباشد در صورتیکه قبل از انقضای وقت رئیس جلسه خصوصی اعلام کند در اینصورت غیبت از جلسه خصوصی هم مشمول ماده فوق خواهد بود و اگر جلسه علنی در وسط کار بعنوان تنفس تعطیل شود مدت تنفس نباید از نیم ساعت تجاوز کند و رئیس مکلف است جلسه را ثانیاً تشکیل دهد و غائبین مشمول جرائم مقرر خواهند بود. امروز روز آخر ماه مبارک رمضان است صبح اینجا بجای ۴ ساعت ۴ ساعت نشستیم عصر هم یک کمیسیونهایی بود که مجلس بانها اختیار داده بود که لوایح دولت را درش مطالعه بکنند و موقه دستور اجرا بدهند. مجلس بعقیده من صحیح نبود اینکار را بکنند ولی اینطور اجازه داده و ما بعد از ظهر هم آمدیم دنبال اینکار ماه رمضان تمام شد امشب شب عید فطراست در عالم اسلام عموم مسلمین در مساجد مشغول انجام وظایف دینی خودشان هستند مملکت ما هم ناسلامتی استش را مملکت اسلامی گذاشته ایم (وزیر دادگستری - سلامتی آقا چرا ناسلامتی) ماده اول و دوم قانون

رئیس - امروز جلسه بعنوان تنفس ختم شده (آزاد) - آقا تنفس نبوده است برخلاف نظامنامه بوده است تنفس مطابق نظامنامه نیم ساعت است آقای رئیس نه ۷ ساعت ۸ ساعت این برخلاف آئین نامه اینکار را کرده است آقای رئیس (مجلس) آقای حائری زاده اخطاری دارید بفرمائید.

حائری زاده - از آن چیزهایی که من همیشه احتراز داشتم اوضاع مجلس و مملکت من را مجبور کرده است که بروم دنبالش من عقیده داشتم که باید همیشه حرف را پوست کنده زد اگر موافق است باید بگوید موافق است و اگر مخالف است بگوید مخالف است.

رئیس - آقای حائری زاده اخطار میفرمائید **حائری زاده** - بنی اخطار است. الان ماده اش را عرض میکنم. انسان مجبور میشود بنویسد که من موافق مشروطم یا مخالف مشروطم برای اینکه از منطق و اصول خارج میشود کارهای مجلس. ما در آئین نامه یک ماده ای داریم که حالا بعرض آقایان میرسانم ماده ۷۳ حداقل مدت در جلسه ۳ ساعت

عین بقیه مذاکرات مشروح یکصد و دویست و پنجمین جلسه از پانزدهمین دوره قانونگذاری

همه نماینده ملت هستند و مجلس شورای ملی هم اعتبارنامه همه را تصویب کرده است و آن شخصیکه یاد کرده است بایستی مطابق قانون و مطابق نظامنامه رفتار بکند ما در اینجا دیکتاتور انتخاب نکرده ایم (خنده نمایندگان) ما گفته ایم یک نفر بیاید این پشت نشیند و مطابق نظامنامه رفتار کند امروز هم آقایان اینجا تشریف داشتند وقت جلسه ختم شد یک ساعت بعد از ظهر بود در صورتیکه مطابق این ماده ۷۴ بایستی اگر چنانچه مجلس بعنوان تنفس تعطیل شود بعد از نسیاعت دیگر آقای رئیس جلسه را تشکیل دهند البته اگر ایشان نسیاعت بعد جلسه را تشکیل میدادند ما هم اینجا حاضر بودیم و تا هروقت که بود گوش میدادیم ولی ایشان بعنوان تنفس ۸ ساعت و نیم جلسه را بعنوان تنفس تعطیل کردند در صورتیکه این دیگر تنفس نیست و اگر چنانچه بایستی جلسه تشکیل میشد ما باید رأی میدادیم این جلسه تشکیل میشد و اگر آقایان رأی نمیدادند جلسه تشکیل نمیشد و این جلسه را بنده قانونی نمیدانم چون رأی گرفته نشده است و این عمل شده است و این جلسه رسمی نیست مگر اینکه مجلس بآن رأی بدهد که این جلسه رسمی است

نورالدین امامی - حضور ۷۸ نفر در مجلس خودش رأی است

رئیس - آقای مکی

مکی - همکار محترم جناب آقای (امیر تیمور) نماینده محترم طبق اطلاعی که با ایشان رسیده بوده است راجع بجزئیات نفت از نمایندگان سیاسی ایران در خارجه گویا گزارشاتی بدو تالیان رسیده بوده است و اینطور که ایشان اظهار عقیده میفرمایند عین بیان ایشان را که فرموده اند بنده نوشته ام و قرائت میکنم در جریان این مذاکرات آقای وزیر دارائی از آقای علاء در آمریکا و آقای سهیلی در پاریس نظر خواسته همه نمایندگان ایران از این نقاط نظر داده بودند که باید استیفای حق ایران را بکنند مخصوصاً آقای علاء ذکر کرده بود که حداقل باید سهم دولت ایران نصف از محصول و نصف از عایدات باشد و اگر این کار را نیکبند ترتیبی بدهد که برای هر تن استخراج یک لیره خارج قبول و بقیه عایدات بین ایران و شرکت بالناسف تقسیم شود و همچنین از باب حق الامتياز هم که چهار میلیون لیره مصالحه کرده اند قلاشراکت به ۵ میلیون و دو سوست هزار لیره موافقت کرده بود نیز در مذاکرات اولیه ابتدا مذاکره نه شلینگ بود که شرکت نفت هم تقریباً موافقت کرده بود ولی در هفته اخیر که آقای پیرنیا راز کبیسون خارج کردند نه شلینگ را هم بشش شلینگ موافقت کرده اند

وزیر دارائی - تلگراف آقای علاء اینجاست بنده بعداً میخوانم

مکی - بنده از بسکه جناب آقای گلشانیان اصرار کردند در این مورد و از بس باشخاص افترا زده اند دیگر هر چه جناب آقای گلشانیان بگویند من قبول نمیکنم برای اینکه ایشان گفتند مصدق السلطنه را دعوت کرده ایم تکذیب کرد گفتند آقای دکتر متین دفتری را دعوت کرد ایم تکذیب کرد گفتند آقای ابتهاج را دعوت کرده ایم تکذیب کرد گفتند آقای تقی زاده ایشان هم تکذیب کردند اینکه آقای گلشانیان قرار داد سه ستاره را خواندند آن قسمتی که بضرر ایران است و بضرر یک مملکتی است میخوانند و آن

جمله ای که بفتح ایران است نمیخوانند بنده نماینده ام که ایشان نماینده کشور ایران باید باشد یا نماینده شرکت نفت؟! (وزیر دارائی - مدارک اینجا است) بنده هم اینجا دارم تمامش را دارم الان میخوانم همین نامه ای که تیمورتاش نوشته میخوانم (آزاد - کافند سرجان که من هم هستم که تکذیب کرده) (خنده شدید نمایندگان) آقای گلشانیان اولاً قسمت ۱۴ موافقت نامه آن قرارداد سه ستاره ای که میگوید قرارداد نیست و یک پروژه است و همه اش را نتوانید که ما روشن شویم، ثانیاً اینجا جعلی کردند از آقای تقی زاده و من خیال میکنم بانگلیسها خواسته جعلی بکنند که گفتند ایشان حسن نیت را خط زده اند اگر تقی زاده حسن نیت را خط زده که این خدمت بایران است شرکت نفت چه حسن نیتی دارد؟ (وزیر دارائی - من هم همین را گفتم) ولی این یک جعلی بود از یک رجل سیاسی بیک دستگاه خارجی آنوقت بزرگترین رجل مملکت را میباید در اینجا با توهمین میکنند که منعی بایست و فلان و فلان برای چه؟ برای اینکه اثر آن نصق تاریخی مصدق السلطنه را در مجلس ۱۴ از بین ببرند و جعلی از آقای تقی زاده هم برای این بود که اثر نطق تاریخی ایشان را در مجلس ۱۵ از بین ببرند - من همه اینها را دلیل و سند دارم این چند بدبختی است برای یک ملت (عبدالرحمن فرامرزی - همان ماده ۱۴ را بخوانیم منم خوانده ام آنطور که ایشان گفته اند نیست) یا تا بنده میگویم تراژنامه و بیان شرکت نفت ایران و انگلیس این طور است ایشان فوری میفرمایند بیان اینجاست ولی آن ماده نهمش را که نمیخواند؟ آن قسمتی بنده دارم که مینویسد دولت انگلستان قدغن کرده است که ما این قسمت از منافع و سود خودمان را برای صاحبان سهام صورت نخواهید داد ما با یک شرکتی طرفیم که برای صاحبان سهام خودش قانون میگذراند که یک قسمت از سودش بحرمانه است سکره است آن وقت ایشان میگویند ما ۵۰ میلیون لیره حقوقمان را در خارج به ۵ میلیون لیره صلح میکنیم (آزاد - مفاصا حساب هم میدهم) من امشب یک اسنادی را با آقایان ارائه میدهم و ثابت میکنم که هر کس باین قرار داد رأی بدهد خیانت کرده است (سائری زاده من تقاضای جلسه خصوصی کرده بودم) (دکتر بقائی - در جلسه خصوصی می فرمائید) موقمی که از کان این قرارداد متزلزل بود ایشان میباید پشت این تریبون دروغ جعل میکنند که منافع ایران از بین میرود - ژیل کی گفته که شما سه مورد را بحکمیت بدهید؟ کی ژیل گفته است که حکمیت انتحار است برای ما؟ این را کس دیگر گفته است ما اگر بحکمیت برویم از این مقداری که خود کمپانی نفت ایران و انگلیس و رئیس شرکت اینجا گزارش داده که دیروز بیاناتش را در اینجا خواندم از این کمتر که بنا نمیدهند زمین هم با آسان نمیرود آسان هم زمین نیاید - ماده ۱۴ فرا داد سه ستاره هم اینست « این امتیاز از تاریخ تصویب و اعتبار آن تا ۱۹۹۰ ولی با حق طرفین باینکه امتیاز را در سال ۱۹۶۱ منقض کنند» این قسمت آخرش را که در ۶۱ میتوانند منقض کنند این را نگفتند اما کافند تیمورتاش که اشاره کردند اینجا بنده دارم و میخوانم

جناب مستطاب آقای فیض کبیر محترم

« در روی اساس مسائل ذیل از مدتی با نظرف مذاکراتی در بین کمپانی نفت جنوب و ما شروع شده بود که در مسافرت اخیر سرجان کدمن بقلب پروژه که منظم است ریخته شده است (یک نفر از نمایندگان - منضم است) معذرت میگویم منضم است آخر شما در این مملکت اینقدر اصحاب انسان را ناراحت میکنید و تحریک میکنید که من باید این منضم است را بخوانم منظم است

۱- الغای امتیاز دارسی و تصویب امتیاز جدیدی منبی بر این اصل که حق مالکیت نفت میبایست متعلق بخود ایرانی باشد و امتیاز خارجی طوری تنظیم شود که مدت آن طولانی نبوده و اعتبار دائمی نداشته باشد

۲- شرکت دولت ایران در نفت جنوب و کلیه مؤسسات آن برای ربع سهام او که باید مجاناً بدولت ایران واگذار شود

۳- محدود کردن منطقه امتیاز بطوری که در نتیجه صد هزار میل مربع بیشتر تحت امتیاز نباشد

۴- اخذ دوشلینگ از هر تن نفت خام که کمپانی استخراج کند

۵- الغای انحصار لوله نفت در جنوب

سرجان کدمن در تهران مواجه با مشکلاتی شده که حل آنها باید در لندن بعمل آید اولاً مشار الیه حاضر بود که خمس اسهام موجوده عادی کمپانی را مجاناً بمانده ولی من قبول نکردم و تقاضای آن را که در ماده ۲ پروژه منضمه ملاحظه خواهید فرمود کردم

۲- ثانیاً اظهار نظر کردم که چون دولت انگلیس اکثریت اسهام کمپانی را دارد اگر حق رأی بنسب اسهام ایران داده شود اکثریت از بین خواهد رفت سرجان کدمن اظهار کرد که قبول کردن حق رأی که در سطر دوم صفحه اول ماده ۲ مذکور است برای او غیر ممکن است اینجانب پیشنهاد کردم که مطابق قانون انگلیس اموری را که بر عهده مجمع عمومی صاحبان سهام مقرر است در لندن معین کرده و چنانکه داشتن دو مدیر را بر حسب ماده ۲ تأمین کرده و رؤس مسائل را که مجمع عمومی عهده دار است با مواد دیگری تأمین کردند آنوقت دادن حق رأی با سهام ایران قابل مطالعه خواهد بود (وزیر دارائی - شماره دارد؟) خیر شماره ندارد بنام تیمور تاش وزیر دربار است (امیر تیمور - بخوانید آقا)

۳- در باب ماده ۱۴ هم ایشان اشکالاتی داشتند و تقاضا میکردند که کمپانی فقط حق نسخ داشته باشد و اینجانب قبول نکردم چنانکه ازدوسه ارسالی ملتفت خواهید شد در باب دعاوی گذشته توافق حاصل شد که یا نصف هزار لیره بدهند و همچنین در باب معافیت از مالیاتها ازمراسله که مجدداً سرجان کدمن و مراسله که بوزیر مختار انگلیس نوشته ام مطلب را ملتفت خواهید شد و ماده ۱۰ تحت ملاحظه مانده است

قصد اینجانب این است که از مطلب مسبق باشید و اولاً نظریات خودتان را اطلاع دهید و ثانیاً نقطه نظر دولت را در همه جا تأیید بنمایند

حالا پروژه سه ستاره هم اینجا هست ولی بنده چون مطالب اساسی تری دارم استدعا میکنم بماند بنده چون میدانم که آقای گلشانیان توجهی به ارباب بنده نمیکنند تمنی میکنم که این سوالات را که بنده

کرده ام یادداشت کنند و جواب بدهند (وزیر دارائی - شما که تا ۲ بعد از نصف شب باید حرف بزنید مجال بدهید تا بنده جواب بدهم) سؤال اول بنده اینست که با توجه به حق ۲۰ درصد که ما در منافع شرکت نفتی و بهره قیبت و بهره کس بفرود شد اگر جواب مثبت است چون شرکت نفت فقط مواد نفتی را تقریباً مفت و به مقدار معتابهی بدولت انگلیس میفرود شد (در یاداری انگلیس) و از این راه منافع احتمالی ما خسارت میزند تکلیف چیست؟ در قرارداد الحاقی چه پیش بینی برای جلوگیری از این موضوع نموده اید؟ البته این هیچ جوابی ندارد

سؤال دوم - آیا وزارت دارائی اطلاع دارد که شرکت از ۱۹۳۳ تا بحال چند میلیون تن مواد نفتی بدولت انگلیس و بچه قیمت فروخته است؟ و تفاوت نرخ آزاد با نرخ فروش بدولت انگلیس چقدر است؟ و اگر این معاملات بنرخ متداوله و معمولی بازار دنیا میشد بابت سهم منافع ایران چقدر بماند بایستی میرسید؟

سؤال سوم - آیا بخاطر شما رسیده است که با شرکت صحبت کنید که نرخ فروش مواد نفتی در ایران از نرخ فروش مواد مشابه بدرباداری انگلستان زیادتر نباشد؟

سؤال ۴ - با توجه باینکه از تاریخ انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ تا کنون همیشه نرخ طلا در بازارهای آزاد دنیا ترقی کرده است و هیچ اثری هم مشاهده نمیشود که جلوی این ترقی گرفته خواهد شد - چه علت دارد که حق الامتياز را بطلای قابل فروش در بازار های آزاد دنیا نیکبند؟

چرا باید حقوق ما تابع مقررات مصنوعی مالی دنیا باشد که این مقررات البته توسط و بنفع دول بزرگ وضع میشود؟

سؤال ۵ - چرا تن شماری را که مبنای احتساب قسمتی از حق مالکیت بر حسب نفتی که از دهانه چاه خارج میشود و کنترل آن بسیار سهل و صحیح است حساب نمیکنند؟ و برخلاف روش معمول در کلیه نقاط دنیا تن شماری از روی صادرات و فروش است که هم نقله و سوخت شدن دارد و هم کنترل آن عملاً برای ما مبسر نیست؟

سؤال ۶ - آیا شما از متن قرارداد منعقد بین شرکت نفت انگلیس و ایران با شرکت استاندارد اویل Standard Oil امریکائی راجع بفروش مقدار معتابهی نفت خام در مدت ۲۰ سال اطلاع دارید؟ و آیا میدانید که بچه قیمت این نفت را فروخته اند؟ و اگر این قیمت از قیمت بازار آزاد روز فروش کمتر باشد زبان ما چگونه تا بحال جبران شده و یا بعداً جبران خواهد شد؟ و آیا برای کوتاه کردن دست امریکائیا از نفت بلوچستان این مقدار نفت بقیمت بسیار ارزانی فروخته شده است؟

سؤال ۷ - برای جلوگیری از صدور نفت خام ایران چه اقدامی کرده اید؟ آیا شما اطلاع دارید که برای تصفیه نفت ایران هم اکنون در خارج از ایران شرکت دست بساختن تصفیه خانه های معظم و برقیتمی زده است؟ برای جلوگیری از این موضوع در قرارداد جدید چه پیش بینی کرده اید تا کار برای کارگران ایرانی تهیه و سرمایه در ایران بصرف برسد؟

سؤال ۸ - چه سیاستی باعث شده که شما برخلاف نامه خود آقای نخست وزیر منی بر مخالفت با مواد قرارداد الحاقی تغییر رویه داده اید؟

سؤال ۹ - آیا شرکت نفت در انتخاب همکاران و مشاورین شما در دوسه ماهه اخیر اعمال نفوذی کرده است یا خیر؟

سؤال ۱۰ - چرا ساختمان یک تصفیه خانه بزرگ توسط شرکت در بندر مشهور متوقف گردید. (دکتر بقائی - برای اینکه در خارج بسازند آقایان سؤال ندارند)

سؤال ۱۱ - تعریف ذخیره عمومی چیست؟ و اگر معنی آن بجز مجموع تمام ذخائر است پس مبنای تقسیم این ذخائر و تعیین آنها چیست و ثابت میباشد و یا بدلتخواه شرکت قابل تغییر است؟

سؤال دوازدهم - چرا حال که از کان قرار داد ۱۹۳۳ متزلزل شده است شما اینهمه اصرار دارید که باین قرارداد الحاقی ناقص آن بر مجلس و ملت تحمیل نمائید؟ یک قسمت دیگری که لازمست با اطلاع مجلس برسانم موضوع معاملاتی است که با صاحبان اراضی شده است طبق بند ۶ ماده چهار قرار داد نفت از موقع انعقاد قرارداد تا بحال مقداری زیادی اراضی در مناطق نفت خیز از قبیل مسجد سلیمان - هفت گل لالی - آغا جاری و میان کوه بختیاری که متعلق به افراد فقیر و بی بضاعت بختیاری بوده از طرف وزارت دارائی رسماً بشرکت واگذار گردیده و تا بحال دیناری به صاحبان املاک مزبور نرسیده - مبلغ بسیار ناچیزی در قبال واگذاری این املاک که اگر به نرخ عادلانه هم حساب شود سه و پنج میلیارد تومان خواهد زد به تمن بخشی از شرکت در یافت شده و آنهم به کسب وزارت دارائی رفته و در این مدت آنچه صاحبان اراضی مطالبه قیمت اراضی خود را نمود اند به بهانه اینکه ملک شما ثبت نرسیده و یاد دولت چون تمام خوزستان را خالصه میدانند از پرداخت و چه دولت طفره رفته و قضیه خالصه دانستن اراضی مردمی هم که طبق قباله و بنچاق قرن ها است مالک هستند برای این بوده که در واگذاری اراضی بشرکت دست دولت باز باشد و هر چه زمین شرکت نفت بهره قیمتی که مایل باشد در اختیار او بگذارند

چنانچه قیمت این اراضی که خواه متعلق بدولت و خواه متعلق ب مردم باشد اگر مطابق با قیمت اراضی نفت خیز ممالک دیگر واگذار میشد نفع سرشاری نصیب ملت فقیر و بد بخت خوزستان و بختیاری و یا خود مینود اگر دولت تنها در آینده از قرارداد تجدید نظر میخواست خساراتی را که از این قسمت بظاهر ناچیز بدست میآمد کافی بود که خوزستان را آباد و مردم بدبخت آنرا رفاه و آسایش کامل بخشند ولی متأسفانه چون دولت نفع زیادی ندارد حق مسلم هزار ها خانواده های چادر نشین و بیچاره بدست هبست حاکمه همان مردم بیگانگان ریخته میشود

جناب آقای وزیر دارائی دیروز در مقام دفاع از لایحه قرارداد الحاقی مطالبی اظهار داشتید که با حقیقت وفق نینداید و فقط برای مرعوب کردن نمایندگان محترم و وادار کردن آنها بقبول این قرارداد الحاقی بود

بنده میگویم عرض کنم که اگر دولت از لحاظ اجبار و در اثر فشار و نفوس مازور و ناچار بوده است

این لایحه را پیشنهاد کند لااقل بهتر است که آقایان وزیران از جاده حقیقت منحرف نشده و نمایندگان ملت را گمراه نکنند - حقیقت را بگویند تا ما هم بتوانیم کمک فکری کنیم

مثلاً جناب آقای وزیر دارائی فرمودند که دولت آقای هژبر در یادداشتی مشتمل بر ۲۵ ماده دعاوی دولت را بر شرکت طبق امتیاز ۱۹۳۳ تنظیم نموده بود و همانطور که متن آن یادداشت حاکی است انصافاً باید گفت که دعاوی حق دولت بطور خلاصه ولی کامل در آن یادداشت درج شده است و آقای وزیر دارائی فرمودند که پروفیسور ژیل اظهار نظر نموده است که ۸ ماده از ۲۵ ماده یادداشت مزبور را میتوان با مراجعه بحکمیت بشرکت قبولانید - بسیار خوب پس چرا در قرارداد الحاقی فقط راجع به ماده از مواد آن یادداشت آنهم بطور کامل انارضایت مندانه قرارداتی گذاشته شده که بنده امروز صبح تحت عنوان « انتقاد از قرارداد الحاقی » درباره آن بحث کردم و از وجنات آقای وزیر دارائی هم حس کردم که در مقابل انتقادات جواب صحیحی ندارند بنده سه سؤال روز اول از جناب عالی کردم (وزیر دارائی - همه راجع میبهم) ایشان برای اینکه خیلی ساکت نمائند باخند جعلاتی امروز بین الاثنین اظهار فرمودند که بر بنده ثابت شد ایشان اصلاً نمیدانند « ذخیره عمومی » چه معنی دارد

علاوه بر « ذخیره عمومی » شرکت چند جور ذخیره دیگر هم دارد که میزان هر کدام رقم معتابهی است. آقایان نمایندگان محترم -

آقای وزیر دارائی دیروز گفتند « ذخیره عمومی » وجهی است که همه ساله مبلغی بآن اضافه میشود ولی فرمودند که این مبلغ چقدر است و نسبت آن بسایر ذخایر چیست؟ ایشان اگر نمیدانند یا میدانند و نمیخواهند بگویند من برای اطلاع نمایندگان محترم عرض میکنم که

مبلغی که به « ذخیره عمومی » همه ساله اضافه میشود رقم یا نسبت معینی از منافع سالیانه نمیشد طبق اساسنامه شرکت هیئت مدیره حق دارد همه ساله هر مبلغی که بخواهد باسم « ذخیره عمومی » کنار بگذارد باین معنی که اگر هیئت مدیره کمپانی بخواهد میتواند سالیانه متوالی اصلاً هیچ وجهی به ذخیره عمومی نگذارد - و یا هر مبلغی که دلش خواست به ذخیره عمومی بگذارد و این حق را شرکت طبق اساسنامه خود دارد - پس ملاحظه میفرمائید که چگونه این ماده ۴ بضرر ایران تنظیم شده است

همچنین آقای وزیر دارائی در جلسه دیروز و امروز مرتباً بتراز نامه شرکت استناد میکنند آقای وزیر دارائی بحساب سازی های شرکت اگر بر شما پوشیده است بر ما پوشیده نیست شما چرا باین تراز نامه معمول استناد میکنید؟ آیا می خواهید باین حرکت خود مدرک تازه و جدیدی بشرکت نفت انگلیس و ایران بدهید که بعد بیایند و بگویند وزیر دارائی شما هم صحت تراز نامه های ما را در مجلس شورای ملی مطرح و بان استناد کرده است؟

آیا درج ماده نهم در قرار داد الحاقی برای آنها کافی نیست که شما متوسل باین عمل میشوید همانطوریکه دیروز بانسب دروغ دادن با آقای تقی زاده

زاده خواستند که ارزش نطق تاریخی ایشان را از بین ببرد.

و چنانکه بانسبت دروغ دادن بدکتر مصطفی هم سنی گردید از اهمیت نطق تاریخی ایشان در باره نفت در مجلس چهاردهم بکامید امروز هم میخوابد راهم را برای آتیه شرکت نفت کوییده باشید بنسبت این ترازنامه ۱۹۴۸ که متن آن انگلیسی است جاری چه مطالبی است؟ آیا این تراز نامه را حسابدارهای متخصص از طرف دولت ایران کنترل کرده اند البته خیر؛ زیرا در گذشته گرچه این حق را داشته اید ولی شرکت شما اجازه نمیداده است که حسابدار بررسی کنید و در آتیه هم اگر این قرار داد تصویب شود طبق ماده ۴ و ماده ۹ قرارداد العاقی این حق برای همیشه از شما سلب میشود در روز شما در مجلس ایراد گرفتید که سرمایه شرکت نفت فقط ۳۳ میلیون لیره است پس بطور میتوان قیمت شرکتهای تابعه را ۲۵۰ میلیون لیره بر آورد کرد؟ این طرز استدلال از طرف یک وزیر دارائی خجالت آور است اگر خجالت آور نباشد نمیدانم چه چیز آور است مثل اینست که بگویند آقا چرا بفرمائید توی این ترازنامه شرکت نفت انگلیس و ایران هست ترازنامه هم الان خدمت مجلس هستند بنسبت الان ترجمه کنند ۱۰ اگر غیر از این بود بنده تمام حرفهایم را پس میگویم این مثل این است که میگویم که چون سرمایه بانک ملی ایران سیصد میلیون ریال است بطور این بانک تا بجا بدولت ایران سه هزار میلیون ریال قرض داده است؟ شرکت متجاوز از ۴۶ شرکت تابعه دارد که سود و زیان ۳۷ عدد از آنها در ترازنامه ۱۹۴۸ شرکت ذکر نشده است این مطلب در صفحه نهم ترازنامه ۱۹۴۸ تحت عنوان «یادداشت های مربوط بحساب» بند (۶) ذکر شده است و من تقاضا دارم که این بند ششم در مجلس خوانده و ترجمه شود تا سبب روی شود هر که در او غش باشد.

بند ششم یادداشتهای مربوط بحسابها در ترازنامه ۱۹۴۸ شرکت تصریح میکند بحساب سود و زیان ۳۷ عدد از شرکتهای تابعه شرکت نفت انگلیس و ایران در این تراز نامه بحساب نیامده زیرا بقیده هیئت مدیره شرکت درج این منافع برای خواننده گمراه کننده است (این است خشتی که من میزنم) و طبق اجازه مخصوص وزرات تجارت انگلستان شرکت نفت از مقررات قانون شرکتهای نسبت به شرح این منافع معاف شده است» مسخره بازی این تراز نامه همین است (دکتر بقائی - نمیتواند مارا گمراه بکنند) یکمرتبه دیگر میخوانم خوب دقت بفرمائید (شرح سابق قرائت شد)

نمیدانم آقایان توجه فرمودید چه عرض کردم این بیان که آقای وزیر دارائی بان استناد میگردند و میخواستند در مجلس شورای ملی تصدیق بگیرند که بیان شرکت نفت ایران و انگلیس صحیح است

دکتر بقائی - آقا اینها مصالح عالی شرکعت نفت انگلیس و ایران است ملاحظه بفرمائید جناب آقای رئیس - آقای دکتر بقائی بگذارید

دکتر بقائی - ملاحظه بفرمائید جناب آقای رئیس صالح عالی است

مکی - نمی بینم اگر تراز نامه معلوم

هست در بیارید آنرا اینجا آقای دکتر اعتبار انگلیسی میداند آقای اسدی هم هستند آقای دکتر طیار هم میداند . عده زیادی انگلیسی میداند ، آنرا بنسبت ترجمه کنند تا صحت هراض بنده معلوم شود .

(دکتر بقائی - خلاف مصالح است همچو کاری نمیکند دیگر شرکت نفت بیلانی برای این جا نخواهند فرستاد) آقای وزیر دارائی در روز فرمودید که یروفسور ژیدل بهشت ماده از یادداشت دولت آقای وزیر گفته است که با مراجعه بحکمیت فتح با ماست . سه ماده از آن هشت ماده را در قرارداد العاقی بطریقی که عرض شد سبب گردیده تکلیف بقیه مواد چیست؟ (وزیر دارائی - هه اش را جواب عرض خواهم کرد مطمئن باشید) افسوس میخورم بنده که فردا دوبطهر مانده عمر مجلس تمام میشود و آنهم برای صورت مجلس است دیگر نمیشود حرفی زد والا بنده تادم روز دیگر از این قبیل مذاکرات و گزارشات رسمی خود دولت انگلستان را اینجا قرائت میکردم تا بدانید متوجه باشید که چه گرفتاری سختی دولت ایران با شرکت نفت داشته و هر وقت هم که ما با اینها خواستیم وارد مذاکره بشویم مذاکره رفته رفته در پیرو استتار ۸ مانده اند افکار عمومی از این جریان اطلاع پیدا کند که بعد یک چیزی تنگ کلاخ بر پیروند توی مجلس دو ساعت مانده عمر مجلس تمام شود یا چهار روز مانده عمر مجلس تمام شود بگویند یا الله بفرید و بنده محتماً باید تصویب بکنیم بندهم با سر نیزه و با سنان توی سر مردم بزنند که تظاهر بر علیه این قرارداد هم نکنند بعد آخوند و کاشانی مجتهد همه آنها را بگیرند و واقعه ۱۵ بهمن را درست بکنند برای اینکه شاه مملکت را ترور بکنند (دکتر بقائی - برای نفت است) بله نفت است من میدانم برای نفت است امیدوارم شعله نفت شعله این نفت بکسانیکه باین مملکت خیانت کرده و میکنند دوامشان را آتش بزنیمن این را از خدا در این مکان مقدس در یک شب مقدس ببرد گترین عید مذهبی مسلمان است من از خدا میخواهم که این شعله نفت آن کسانی را که خیانت بملت و مملکت ایران کرده اند و دودمانشان را با آتش بزند هر کس در هر مقامی باشد ، خواه عمله باشد خواه هر که باشد و هر کس باین مملکت خدمت بکند از خدا میخواهم که او را موفق بدارد خلاصه طبق ماده چهارم در قرارداد العاقی دیگر حق اعتراض به آنرا ندارید در سال گذشته طبق همین تراز نامه ۲۹ میلیون لیره در شرکتهای تابعه خرج ساختمان کرده اند و بدین ترتیب ملاحظه میفرمائید که چه حق بزرگی از ایران ساقط میشود با تصویب ماده چهارم و ماده نهم آقای وزیر دارائی امروز فرمودند که یروفسور ژیدل نسبت بهشت ماده از یادداشت دولت آقای وزیر گفته است که با مراجعه بحکمیت فتح با ماست سه ماده از این ۸ ماده را در قرارداد العاقی بطریقی که عرض شد سبب گردید تکلیف بقیه مواد چیست؟

آقای وزیر دارائی در جلسه دیروز و همچنین در جلسه سری اظهاراتی از توی یروفسور نامبرده راجع بحکمیت فرمودند که طبق اطلاع بنده حقیقت ندارد و ژیدل چنین اظهار نظری را نکرده است کما اینکه آقای وزیر دارائی هم اذعان فرمودند که نسبت به ۸ ماده از یادداشت دولت وزیر ژیدل صریحاً گفته است که در حکمیت موثقت با ماست . پس این ضمیمه گویی

وزیر دارائی باردیگر ثابت میکنند که ایشان آنقدر اصرار به تصویب این لایحه دارند که حتی حاضر هستند که از قول یک استاد معظم بین المللی دروغهایی ساخته و پیا بگویند والا اگر اینطور نیست یابید در یک جلسه سری کلیه اظهار نظرها مشاوری حقوقی و مالی دولت را در آن جلسه بخوانید تا حقیقت امر روشن شود اگر حقیقت دارد آقای وزیر دارائی اینجا میگویند یروفسور ژیدل یک یروفسور حقوقدان و با شرفی است یقیناً تکذیب خواهد کرد من اینرا اطلاع دارم گزارش را بخوانید مسلماً تکذیب خواهد کرد. (آزاد - گزارش را نمیخوانند) گزارش را بخوانید (دکتر بقائی - رسماً گفته خواسته ام در اختیار ما نگذاشتند) میگویند که مجلس باید ببرد و بنده آقا اگر مصححت نیست توی جلسه سری بیارید مصححت است در همینجا بخوانید تا معلوم شود که یروفسور ژیدل راجع باین قضیه چه جور قضاوت کرده است برای این است که ما را برسانند و بیابگذارند بیخ گلوبان و بگویند محتماً باید تسلیم بشوید و حالات تصویب بکنند آقایان حداقلی که از مراجعه بحکمیت گیر ما خواهد آمد همین مقداری است که طبق قرارداد العاقی قبول بپرداخت کرده اند پس ما از مراجعه بحکمیت چه ضرری خواهیم برد؟ ما هیچ چیزی کم نخواهیم کرد و باید در احقاق حق خود با فشاری کرده و حق خود را بخواهیم شما پیش خود خواهید گفت پس چه چیز دولت مساعد را از مراجعه بحکمیت باز داشته است؟ بنده نمیخواهم در اینجا مطالبی را افشاء کنم که اسباب آبروریزی همین هیئت دولت بشود . چه بهتر که بسیاری از مطالب ناگفته بماند ولی میخواهم یک مطلب را که قبلاً هم بمجلس گوشزد کردم مجدداً یاد آور شوم (وزیر دارائی - بفرمائید) آقایان تمام مشاوری دولت مخصوصاً شخص یروفسور ژیدل بدولت توصیه کرده اند که تنها راه احقاق حق دولت ایران مراجعه بحکمیت است و علت عدم مراجعه بحکمیت دلیل دیگری دارد که آقایان کم و بیش میتوانند درباره آن حدسیاتی بزنند و من هم نمیخواهم چیزی بر آن حدسیات بیفزایم ولی دور از شرافتمندی و جوانمردی است که آقای وزیر دارائی عدم مراجعه بحکمیت را بملت توصیه مشاورین حقوقی خود وانمود سازند . من از ایشان خواستارم که بیابند و اظهارات دیروز خود و همچنین اظهارات جلسه سری خود را تکذیب کنند والا بنده را مجبور میکنند که برخلاف میل مطالبی را اظهار کنم .

من در اینجا مجدداً سؤال اول خود را که در جلسه روز شنبه نمودم تکرار میکنم و از آقای وزیر دارائی تقاضای پاسخ صریح دارم .

(آیا مادر مذاکرات خود با شرکت نفت انگلیس و ایران بایک مؤسسه تجارتمی طرف هستیم یا با یک دولت معظم و خود مختاری که تقاب بشکرت تجارتمی را به چهره زده است؟)

لرد ما کولی تاریخ نویس انگلیسی در تاریخ کیانی هند نوشته است که (از مزایای این کیانی این بود که هر وقت صرفه داشت یک شرکت بود و هر وقت اقتضا میکرد یک دولت مقتدر)

بلی آقایان نمایندگان محترم این روشها هنوز هم باقی است .

دیروز صحبت از طرح سه ستاره شد و گفته شد

که در آن طرح صحبت از تمهید امتیاز بیان آمده بود این مطلب صحیح است (وزیر دارائی - اول که گفتید صحیح نیست حالا میگویند صحیح است) بنده کی گفتم صحیح نیست بنده این را خواندم که اول سال ۶۱ اختیار فسخ میتوانیم داشته باشیم .

آقایان بنده راجع بر قرارداد سه ستاره عینش را که خواندم عرض کردم در ۱۹۹۰ بسته میشد با حق اینکه این امتیاز را در ۱۹۶۱ طرفین میتوانند فسخ کنند این را من گفتم و آقایان هم نوشتند دیروز صحبت از طرح سه ستاره شد و گفته شد که در آن طرح صحبت از تمهید امتیاز بیان آمده بود این مطلب صحیح است منتهی باین توضیح که تمهید مدت در مقابل مزایای فوق العاده آن طرح برای ایران قابل قبول بود در صورتیکه در سال ۱۹۳۳ امتیازی امضا شد که مزیت زیادی نداشت و مدت را دو برابر میکرد

آقای وزیر دارائی در توضیحات دیروز خود فرمودند ما این مقدار خواستیم آنها گفتند نمیدهیم ما گفتیم پس چه قدر میدید آنها گفتند فلان مقدار ما هم گفتیم بسیار خوب قبول میکنیم .

آقای وزیر دارائی اگر بنا بود هر چه آنها بگویند شاقبول کنید پس مذاکره چه معنی دارد؟ شما مثلاً بچه حق از اصل تصنیف منافع در مذاکرات خود صرف نظر کردید بیابید جریان مذاکرات خود را با مستر گس راجع باصل تصنیف بخوانید تا ما بدانیم ایشان بچه منطقی شمارا راضی کردند از این اصل که امروز در اغلب نقاط جهان متداول بوده و همه کس آنرا قبول دارد صرف نظر نمائید .

طبق اطلاع اینجانب شرکت با اصل تصنیف منافع چون نمی توانست مخالفت منطقی کند شروع بدلسوزی کرده و گفتند این برای ایران خوب نیست و شما هم بدلسوزی آنها را قبول کرده تسلیم شده اید .

آقای وزیر دارائی شما وسائل قانونی داشته و دارید که شرکت را وادار کنید بحرف های شما باذقت گوش کند و جرئت اجفاف نداشته باشد از آن جمله است اجازه استخدام کارگران و کارمندان خارجی در ایران طبق ماده ۱۶ شرکت میبایستی عهده مستخدمین خارجی خود را از سال ۱۹۳۳ بعهده تقلیل بدهد .

رئیس - تأمل کنید عهده کافی نیست .

حائری زاده - نفس لطف بفرمائید .

رئیس - ممکن است نفس برای ایشان مفید هم باشد ولی آقای وزیر دارائی هم جوابی دارند آقای مکی بفرمائید .

مکی - عرایش بنده انشاء الله تاصبح هست .

وزیر دارائی - منم تا فردا اینجا هستم .

مکی - اگر این جلسه سری بشود ، بنده در آن جلسه آن عرایشی را که لازم است از لحاظ تصنیف حقوق ملت ایران با اطلاع آقایان نمایندگان محترم برسد خواهم کرد و آن وقت ملاحظه بفرمائید تا چه حدود در جریان آوردن این لایحه فرس مازور بکدار رفته و چیزهای دیگر در صورتی که

عده مستخدمین خارجی هندی برابر سال ۱۹۳۳ است

مذاکرات مجلس

چرا در اجرای ماده ۱۶ شما چهار هزار نفر خارجی اضافی را اجازه داده اید در این کشور کار کنند؟ از لحاظ قانونی چه مانعی دارد که شما دستور دهید فردا صبح جواز اقامت آنها در ایران لغو شود .

چه از لحاظ امتیاز نامه و چه از لحاظ حقوق بین الملل شما حق این کار را دارید . آقای منصور السلطنه که ایشان یکی از حقوقدانهای معروف هستند پرسیدم که از لحاظ حقوق بین المللی ایشان جوابی ندادند . شامح این کار را دارید و اگر این کار را کردید . . .

دهقان - آقای آزادی اگر نیست تشریف بفرید

آزاد - بنده این جلسه را قانونی نمیدانم (خنده نمایندگان)

رئیس - بفرمائید .

مکی - آن وقت خواهید دید که شرکت برای جلب رضایت خاطر شما چه موافقتهایی خواهد نمود . ولی افسوس شما که از دل و جرات خودتان اینقدر دیروز تعریف کردید . اینکار را نمیتوانید بکنید . بلی آقای وزیر دارائی جایی که آنها باید با ما موافقت کنند نم پس نمیدهند ولی در مقابل شما حتی کوچک ترین قدمی بر خلاف نظر آنها را بر نمیدارید و اینست که چنین قرار دادی را امضاء میکنید و بمجلس میآورید . مطالبی را که در جلسه قبلی قبل از اینکه آقای وزیر دارائی تشریف بیاورند و آن بیانات را بکنند در رد قرارداد فعلی بنده با اینجا رسانده بودم که باید بقیه اش را ادامه بدهم راجع بر قرارداد ۱۹۳۳ .

۹ نسبت بخرج سالانه ۱۰ هزار لیره که نرخ طلا نیز تسعیر خواهد شد و برای تربیت کارمندان فنی ایرانی شرکت

رئیس - تأمل بفرمائید آقای مکی یک ربع نفس داده میشود .

(جلسه ساعت یازده و ربع به عنوان نفس ختم شد)

(یک ربع ساعت به ۱۲ شب جلسه مجدداً تشکیل شد)

رئیس - آقای وزیر دارائی

مکی - بنده عرض تمام نشده

رئیس - حق شما محفوظ است آقای مکی همیشه خارج از نوبت وزیر میتواند صحبت کند

وزیر دارائی - آقای مکی صورت سوالاتتان را بدهید که من جواب بدهم

دکتر بقائی - از تند نویسی بگریزد

وزیر دارائی - هاتق اصفهانی میگوید:

شب اگر با مسیح در فلکی مورد تهنیتی اگر مکی لب بد گویند بستان از بد او نمیتوان رستن (دکتر بقائی - احسن) (نورالدین امامی - مال ضیاء اصفهانی است) هر کس در این جریان زحمت میکشد کار میکرد . بالاخره مورد تنقید واقع میشد از تنقید هیچ وقت من نه میترسم نه ابادارم (یکی از نمایندگان - نه میرنجم) نه میرنجم ، رنجش هم ندارم صحیح است برای اینکه در زندگیم من خودم مکرر نه اهل کینه هستم نه اهل حسد ، برای آنکه همه چیز را در دنیا من معتقدم که مقرر است و اگر کسی اینجا توی گوش من هم بزند میگویم مقرر بوده است و آنهایی که مرا میشناسند میدانند که نه اهل کینه هستم نه اهل

حسد ، ولی در این جریان یک اظهاراتی شده است که اگر من امشب جواب نمیدادم مثل این بود که اینها تصدیق شده است و مذاکرات طوری در اینجا میشود که اساساً دولت نتواند حرف بزند و مجلس نتواند اظهار عقیده خوبی بکند و مجلس را ترور میکنند و فکر یک چند نفر مجلس را تعطیل بکنند

دکتر بقائی - آقای گلشایان اینرا فرمائید

نظراً با این حرفها نمیدانم آقای گلشایان این حرفتان را باید پس بگیرد شما حق ندارید این حرف را بزنید شما نمیتوانید نظراً بدهید ما از حق ملت دفاع کردیم ، توضیحاتتان را بدهید ولی حق ندارید این حرف را بزنید

دهقان - چرا حق ندارند؟ بگذارید حرف بزنند (حقایق روشن شود)

آزاد - جلسه خصوصی بکنید که با مدارک این را بگوئیم

دکتر بقائی - آقا میتوانستند مدارک گفته شود در جلسه خصوصی

رئیس - بگذارید حرفشان را بزنند مدتی تا حالا گوش دادند وزیر دارائی هم حالا صحبت میکنند بگذارید حرفشان را بزنند

دکتر بقائی - ما گوش میدهیم . تا صبح میشنیم گوش میدهیم

وزیر دارائی - الحمد للهِ رب العالمین که نقشه عملی شد فقط برای اینکه چند کله ای از جریان قضیه گفته بشود ، و اگر یک اظهاراتی بخلاف حقیقت و تحقیق گفته بشود ، جوابی گفته بشود بنده از آقای رئیس مجلس خواستم چند دقیقه بی وقت داده شود . اینکه اظهار کردند که از سفرای خارجی (مکی - بنده نکفتم . جناب آقای امیر تیمور فرمودند) خوب نقل قول فرمودید که از سفرای خارجی ایران تلگرافاتی بدولت رسیده است که این قرارداد را اجرا نکنید برخلاف مصححت است و چنین و چنان بنده پشت این تریبون صریحاً عرض میکنم که چنین تلگرافاتی از هیچکس تاکنون و این تاریخ نرسیده است از آقای وزیر خارجه هم پرسیدم ایشان هم تکذیب کردند . اگر شنیده اید تلگرافاتی رسیده ، واسطه مذاکرات دولت با گلبنگیان متخصص نفت دولت آقای سهیلی بوده و واسطه مذاکرات دولت با کورتیس امریکائی جناب آقای علاء بودند و اگر شنیده اند تلگرافاتی میآید ، بله مکرر تلگرافات میآید ولی هیچوقت خود آقایان اظهار عقیده نکرده اند فقط یک مورد در اینجا . هست فقط یک تأسف هست اینهایی که میگویم ممکنست مورد گله گذاری شود ، فقط یک مورد اظهار نظر آقای علاء میکند وقتیکه ما بوسیله آقای علاء از آقای کورتیس خواسته بودیم که بعد از این جریانان نظر بدهند باینکه مصححت هست امر بحکمیت برود یا نرود آقای علاء ضمن اینکه نظر ایشان را با دادند خودشان هم اظهار عقیده فرمودند بنده این نظر ایشان را میخوانم آقایان اطلاع نمانند دارند

اصل اطلاعاتشان اینجاست ولی من خیلی متأسفم که من جلسه سری خواستم و گفتم مطالبی هست که به صلاح مملکت نیست در جلسه علنی گفته شود (بعضی از نمایندگان - حالا هم نگویند آقا) اصرار کردند که گفتن را بکنند باز هم اصرار میکنند خواهام گفت (عده منی از نمایندگان - لازم نیست) وقتیکه دولت مذاکراتش را با نمایندگان کمیانی قطع کرد وقتیکه دیگر ارجاع امر بحکومت افتاد از متخصص نظر خواستیم وقتی اصرار دارند آقای مکی من خواهام گفت

دهقان - نگویند آقا، شما نباید عصبانی بشوید. **یکتفر از نمایندگان** - چرا مصالح مملکت را در خطر میاندازید آقا؟

دکتر بقائی - فقط از ملت باید پنهان باشد، خوب جلسه سری بکنند در جلسه سری بگویند، ماتقاضای جلسه سری کرده بودیم.

دهقان - چرا منافع مملکت را در نظر ندارید آقا؟

Paris' le 5 Mai' 1949
Arbitrage .be l'avis de la Personnalité'
رئیس - ترجمه اش را بفرمائید آقا باید همه ملتفت بشوند.

وزیر دارائی - بنده عینش را میخوانم، ترجمه اش را هم عرض میکنم.

be l' avis de la Personnalité qui a été consultée ' ce serait une chose fatale ' un suicide Pour le gouvernement d . avoir recours ou de consentir à l' arbitrage.

فرانسه اش را فهمیدید آقای دکتر بقائی معنی را خودتان بفرمائید.

معنی اینست که اظهار نظر کرده که انتحار است برای دولت ایران امر خطرناک است که بحکومت برود حالا میفرمائید ما اینها را اینجا بگوئیم من میگویم برای اینکه آنروز ما رفتیم دروزارت خارجه گفتیم آقا ما مذاکراتمان قطع شده است راجع دیگر نیست توقع دولت خیلی بیشتر از اینست که آقای مکی چهارتا بچه مهندس باشند اطلاعاتی داده اند (دکتر بقائی - بچه مهندسهایی خیلی بهتر میفهمند آقا) امر بحکومت ارجاع شود یا تجدید مذاکره ما رفتیم مشورت کردیم همان اشخاصی که مورد اطمینان ما بودند باصبر گفتند که آقا حکمت برای شما این خطر را دارد اگر بنده بحکمت میرقم . آقای مکی فوراً محکوم میشدم خود شما میآمدید پشت این تریبون و میگفتید وزیر دارائی خیانت بملکت کرد و نتیجه این امر میشد متوجه شدید؟

آزاد - ما انشاءالله این قرارداد را نخواهیم کرد آقای گلشایان .

وزیر دارائی - آقای غلامیرماید لکن تصور میرود ارجاع بحکومت مصلحت نباشد زیرا ممکنست حکم ظاهر امر را مدرك قضاوت قراردادده رای دهد که امتیاز بقوت خود باقیست دولت حق تجدید نظر ندارد و اگر شما نظر آقای غلامیرماید مصلحت نیست اینست نظر آقای غلامیرماید این چیزی است که من نمیخواهم اینجا پشت تریبون بگویم

اینست که از روز اول اصرار داشتیم جلسه سری بشود مگر من دزدی کرده بودم ، من نمیخواستم دلیلی بدیگران بدهم و شما آمدید این عمل را کردید و تصور میکنید این عمل خدمت بود ؟ خدمت نبود ، دنیا میگوند که دولت ایران حق ارجاع بحکومت داشت رفت به متخصص مراجعه کرد ، متخصصین گفتند آقا نروید بحکومت . C'est un Suicide Pour Le gouvernement .

این را برای من مدرك میکنند فردا میدانند آن طرف که من دستم ضعیف است ، من بیچاره شدم آنوقت مع مرا میگردد و بمن تعجب میکند تمام این حرفها برای اینست که نمیخواهند اطمینان داشته باشند که اشخاصی ممکنست در این مملکت باشند و بملکتشان خدمت بکنند این سوءظن را آقای مکی بردارید از دماغتان این سوءظن این مملکت را به بدبختی کشیده است این سوءظن است که بعقیده من سیاستهای خارجی در این مملکت میآورند برای اینستکه میخواهند مردم این مملکت را باهم دشمن کنند و این مملکت را نابود کنند روزی که بنده آمدم در جلسه سری و بعد تمام مطالبی که آقایان اینجا دارند ، دارند روی یادداشتهای مختلف و با خطهای مختلف میدهند به آقا و گاهی هم اشتباه میخوانند و گاهی هم در ارقامش اشتباه میکنند ، تماش را بطور مفصل گفتم . سؤال کردید اینجا دانه دانه این سؤالها را بنده جواب میدهم . سؤال اول شما اینست که با توجه بحق ۲۰ درصد که ما در منافع شرکت نفت سهیم هستیم آیا شرکت حق دارد هر مقدار مواد نفتی را بهر قیمت و بهر کسی بفروشد ؟ بشما گفتیم آقا ما روز اول چرا آمدم گفتیم امتیاز نامه را باید تجدید نظر کرد ؟ چرا گفتیم ماده ۱۰ باید عوض شود . چرا فرمول پیدا کردیم که بجای ۲۰ درصد سود قابل تقسیم بصاحبان سهام باید سود نوزده باشد ، اگر توجه مینمودید با درخواست توجیه بکنید ، عرض کردم که دولت اول خودش این امتیاز شده بود که اگر ما بنویسیم سود قابل تقسیم به صاحبان سهام یعنی یک صاحب سهم عادی هستیم هر سهمی که بصاحبان سهام قسمت کردند باید باهم بدهند . ولی این حق ما را تضییع میکند ما باید یک فرمولی پیدا کنیم که هر دقیقه مجال این را داشته باشیم که بکمیانی حمله بکنیم ، بگوئیم آقا چرا حق ما را نمیدهد بهترین فرمول چیست ، گفتند بگویند که سود نوزده یعنی آن مبلغی که نه مالیات بردرد آمد ازش کم شده است نه رزروها کم شده آن مبلغ گلوپال کلی که هست ۲۰ درصد با بدهند البته آنوقت نه مشمول مالیات میشد نه رزروها ازش کم میشد ، نه میتوانستند بحسابهای مختلف ببرند . باز هم برای اینکه تحکیم این عمل شده باشد ، گفتیم در ماده ۱۵ قرار داد باید بنمایند دولت ایران حق بدهد ، گفتیم ما پیشنهاد کردیم که باید حق بدهید بدفاتر شرکت رسیدگی کنیم . حق داریم بحساب خودمان متخصص دعوت کنیم که برود بدفاتر شرکت رسیدگی کند . پس این سئوالی که شما گفتید ۲۰ درصد نه آقا با این حقنی که امروز هست یعنی این امتیازنامه موجوده هست ما حق نداریم . ولی ما خواستیم راه حل این را پیدا کرده باشیم واستفاده کرده باشیم و جلوگیری کرده باشیم از این تضییع حق احتمالی

دکتر بقائی - من اخیراً هم جواب بفرمائید اگر اگر جواب مثبت است چون شرکت نفت مواد نفتی را تقریباً بقیمت و بقدار معتنا بهی دولت انگلیس میفروشد و از این راه مبالغ زیادی با صادرات میزنند (صحیح است) تکلیف چیست و در قرار داد الحاقی برای جلوگیری از این موضوع پیش بینی شده است عرض کردم خدمت آقایان پیشنهاد ما غیر از این بود تکلیفی که ما کرده بودیم بودولی مثل اینستکه آقایان نمیخواهند توجه بفرمایند بنده تجدید میکنم ، عرض کردم که ما چهاربار در این باره مذاکره کردیم که این قرارداد فعلی را در مقابل آنها گذاشتیم چه موافقت میکنند است بزنند گوی ما ، عایدات ما ، وضیعت ما ، لطمه بزند این مواد را ما با این وضع پیشنهاد میکنیم باید آقا تجدید نظر بشود در روز اول هم این را گفتیم در همان قدم اول گفتیم که این ماده ۱۰ این عیب را دارد ماده شانزدهم این عیب را دارد ماده هجدهم این عیب را دارد ماده نوزدهم این عیب را دارد تا آخرش و تازه هم وقتی همه آنها را تجدید نظر کردیم ما ۱۵ سال یکمرتبه هم باز میتوانیم تجدید نظر بکنیم حالا اگر باز هم این را یک بی انصافی بکنید و بگویند این عمل هم خیانت بود خوب باشد تشخیص ما اینست دیگر چیزی نمانده بود که ما راهی پیدا نکنیم که در جزئی ترین راه چیزی با صدمه نخورد ، بعد در بین مذاکرات که با این مرحله رسید گفتند آقا تجدید نظری که شما میخواهید بکنید در این امتیازنامه مطابق کدام مقررات است یا باید مامواقت کنیم یا باید شرایط این امتیازنامه تجدید نظر کنیم امتیازنامه هم راهی که برای ما تعیین کرده بود این بود که ما اثبات تخلف کمیانی را در یک محکم حکمت بکنیم وقتی محکم حکمت حکمی کرد نتیجه حکم حکم معلوم میشود که آیا این حکم حکم میگوید که این امتیازنامه لغو است یا این امتیاز نامه لغو نیست یا چقدر میبایست با خسارت بدهند یا چه موادی بدهند خوب بعد از اینکه ما این مباحثات را کردیم و رسیدیم بآن مرحله ای که هیچ راهی ندارد جز ارجاع بحکومت این را بهم بزنیم وقتی هم روزیکه مجلس شورای ملی دولت را مکلف کرد باستیفا حقوق دولت راجع بامتیازنامه نفت جنوب چرا خود مجلس شورای ملی آن شهادت را نداشت که همان روزی که گفت قرار داد سادچیکف و قوام کان لم یکن این قرارداد هم کان لم یکن باشد و دولت مکلف بود برود يك امتیازنامه جدیدی بیند پس آن اشخاصی که در این میان آن حرف را زدند نه اینکه علقه نداشتند بملکت احساسات نداشتند همه در این موافقت داشتند ولی خود آقایان میدیدند که يك قراردادی که بسته شده است کلهقه نمیشود نقض کرد ما تجربه قرارداد داری را داشتیم بقول خود آقا که بکلهقه بهم زدیم رفت بجامه ملل اگر با حکمت نداده بودند و یا با توصیه نکرده بودند که ما خودمان دوستانه حل بکنیم و با هم کنار بیاییم چه بسا که آنها محکوم میشدیم و حالا بنظر آقا ممکن بود قرار داد داری بهتر باشد و بنظر دیگران دیگری ولی چنانکه بنده با آقایان عرض کردم آنروز و الان هم صریحاً عرض میکنم بجز تجدید مدت ۳۰ سال این امتیازنامه ۱۹۳۳ هزار درجه رجحان داشت بامتیاز داری حالا که مجلس تمام شد ولی اگر

سال پنجم شماره ۱۲۹۴

یک وقتی خواستیم که بحث بکنیم مام دو بند بنشینیم بنده حاضر این را ثابت بکنم برای آقا (دکتر بقائی - نامه سر جان که من راجع بزبای امتیاز ۱۹۳۳ را بعداً خودتان قرائت بفرمائید) (مکی - اگر ایشان ندارند من دارم) عرض میکنم که بعد سؤال کرده اند آیا وزارت دارائی اطلاع دارد که شرکت از ۱۹۳۳ تا بحال چندین میلیون تن مواد نفتی بدولت انگلیس و به چه قیمت فروخته است ؟ ... این دنباله همان جواب اولیه است وقتی که این اختیار برای ما مطابق امتیاز نامه نباشد که ما بدفاترشان رسیدگی بکنیم ، همین موضوع مورد تقاضای ما بود مادامی که آن وضع باقی است . یعنی مادامیکه آن امتیاز نامه ۱۹۳۳ باقی است . سؤال سوم ، آیا بخاطر شارسیده است که با شرکت صحبت کنید که نرخ فروش مواد نفتی در ایران از نرخ فروش مواد مشابه بدریاداری انگلستان زیادتر نباشد اگر بخاطر آقایان باشد متنی که آنروز بنده خواندم متن پیشنهاد دولت این بود که قیمت مواد نفتی که در داخله ایران فروخته میشود مطابق ادنی ترین قیمتی باشد که کمیانی نفت بخارج میفروشد این عین پیشنهاد دولت است که ما این را پیشنهاد کرده بودیم ، بخاطر مان هم رسیده بود خیلی خوب هم رسیده بود نوشته بودیم لاقول قیمت تمام شده قوب آبادان باشد نه اینکه بفکر ما نرسیده بود خوب هم رسیده بود ، مذاکرات شده بود تمام اینها هم صورت مجلس دارد اگر عمری باقی ماند تمام این مذاکرات و صورت مجلس هارا میدهم چاپ بکنند باسم يك کتاب سفید آنوقت ملاحظه خواهید کرد که چیز محرمانه ای نمانده است تمام مذاکرات مارسمی و علنی بوده تمام تلگرافات متخصصین راهم چاپ میکنیم تمام تلگرافات بقول آقا سفیرایمان راهم چاپ میکنیم تا معلوم شود که ما تمام عملی که کرده ایم بدون اطلاع از نظر متخصصین نبوده است و اینها منظور که عرض کردم دست ویای شما راقانون ۱۹۳۳ بسته است (دکتر بقائی - ولی يك استثنائی هم راجع بتلگرافات هست) سؤال ۴ - با توجه باینکه از تاریخ انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ تا کنون همیشه نرخ طلا در بازارهای آزاد دنیا ترقی کرده است و هیچ اثری هم مشاهده نمیشود که جلوی این ترقی گرفته خواهد شد چه علت دارد که حق الامتیاز را بطول قابل فروش در بازارهای دنیا نسجید ؟

عرض کنم اینهم باز همان جواب است ما با تجدید نظر میتوانیم در امتیاز نامه بکنیم یا نمیتوانیم بکنیم اگر تجدید نظر در امتیاز نامه میتوانیم بکنیم عقلمان هم رسید پیشنهاد بکنیم که ۶ شیلینگ نیم طلا بدهند عین طلا بدهند - تمام جریاناتی که بنده خواندم میخواهید که یکدفعه دیگر هم بخوانم که ما چی گفتیم و آنها چی جواب دادند ، گفتند ما تمام این حرفهای شما بر خلاف امتیاز نامه است و ما گوش نمیکنیم ما گفتیم که ۶ شیلینگ نیم طلا بدهند امروز هم با آقا گفتیم ، ما گفتیم ۶ شیلینگ نیم طلا بدهند با از یکطرف بدهند يك ششم نفت خام بدهند صدی بیست سود نوزده با بدهند و مجموع اینها ۵۰ درصد عایدات تشخیص میشود و اگر از ۵۰ کمتر شد تفاوتش را بدهند . سؤال پنجم : چرا تن شاری را کمیانی احتساب قسمتی از حق مساحت بر حسب نفتی که از دهانه چاه خارج میشود و کنترل آن بسیار سهل و صحیح است حساب نمیکند ؟ و بر خلاف روش معمول در کلیه نقاط دنیا تن شماری از روی صادرات و فروش است که هم نفله و سوخت شدن دارد و هم کنترل آن عملاً برای ما مبسر نیست

اینهم که آنروز یا پریروز عرض کردم ما گفتیم که از استخراج میکبریم وتوضیح دادم برای اینکه تفاوت بین استخراج و صادرات وحالاً مالیات نمیدهند (مکی - در حدود ۳ میلیون تن) عرض کردم آنجا گفتیم سالی که ۲۳ میلیون تن استخراج آنها بوده ۲۰ میلیون تن آنها صادر کردند روزی که ۲۰ میلیون تن استخراجشان بوده هیچده میلیون تن صادر کردند امسال که ۲۰ میلیون تن پیش بینی میکنند استخراجشان باشد ۲۳ میلیون تن صادر خواهند کرد نتیجه همان میشود که عرض کردم و تقاضای دولت از استخراج بود عبارتش را هم باین فرمول در آورده بودیم که تن شماری روی استخراج گرفته شود استدلال مفصل هم شده بود ، این تقاضاها را ما کرده بودیم و بازم اگر لازم باشد برای آقایان خواهام گفت که آن فرمول دولت نسبت به ماده ۱۰ و ۱۱ خیلی روشن است پیشنهاد فرمول دولت آنست که حقوق دولت باید طبق اساسی که امروز بعنوان اصل منصفانه و عادلانه قبول شده است تعیین گردد و آن اصل منافع شرکت با دولت بر اساس نصف النصف میباشد و برای رسیدن باین منظور دولت از شرکت خواسته است که حقوق دولت بترتیب ذیل تعیین گردد اول يك ششم بهای نفت خام ایران آفر آبادان دوم ۶ شیلینگ و نیم طلا نسبت به نفت استخراج شده سوم صدی بیست از سود نوزده یعنی قبل از کسر مالیاتی که برای پرداخت مالیات بدولت انگلیس و ذخائر تهیه میشود پس ملاحظه کردید که این سؤالاتی که آقا کردند تمام اینها را دولت پیش بینی کرده بود و خوب هم مورد توجه و نظر دولت بود سؤال ۶ آیا شما از متن قرار داد منعقد بین شرکت نفت انگلیس و ایران با شرکت استاندارد اوپل امریکائی راجع بفروش مقدار معتنا بهی نفت خام در مدت ۲۰ سال اطلاع دارید ؟ و آیا میدانید که به چه قیمت این نفت را فروخته اند ؟ و اگر این قیمت از قیمت بازار آزاد روز فروش کمتر باشد زبان ما چگونه تا بحال جبران شده و یا بعداً جبران خواهد شد ؟ و آیا برای کوتاه کردن دست امریکاییها از نفت بلوچستان این مقدار نفت بقیمت بسیار ارزانی فروخته نشده است ؟ عرض کنم این معامله را بمدت ۱۰ سال کرده اند جریانش هم این بود وقتی که در موقع جنگ نفت ایران نمیتوانست دیگر بی بازار های مدیترانه برسد و راه مدیترانه بسته شده بود کانال سوئز بسته شده بود تمام نفت کش های متفقین یا مستعدین در اروپا از امریکا از نفت امریکا گرفته میشد بعد از جنگ سناتور های امریکائی بدولت امریکا اعتراض کردند که آقا با این وضع چاههای نفت امریکاه تمام میشود چرا بایستی اینطور بشود در نتیجه مذاکراتی که با دولت انگلیس شد و فشاری که آوردند میخواستند بکمقداری از سهام نفت جنوب را با امریکاییها بدهند بعد نتیجه که از این مذاکره گرفته شد آنها حاضر شدند که ۱۳۰ میلیون تن برای ۱۰ سال سال از نفت ایران ، نفت کویت نفت بحرین و نفت عراق با امریکاییها بفروشد و روی همین اصل قرار شده است که يك لوله ای بکشند تا مدیترانه و از این لوله نفت ایران و عراق و کویت را ببرند و اینجا بطور معترضه عرض میکنم یکی از نظریاتی که ما داشتیم که تمام نفت ایران باید در ایران تصفیه بشود ولی متخصصین ما گفتند که فشار نوازانه در این باره وبگویند حد اعلامی که ممکن است در ایران تصفیه شود و این قرارداد صد وسی میلیون تنی که الان بسته اند و قرارداد بدی که میدهند چون اکثر ممالک دنیا مثل

فرانسه و نروژ ممکن نیست که نفت تصفیه شده قبول کنند و نفت خام میگرد این ممکن است بشرط دولت ایران تمام شود و این نفت را برونه از نفت کویت و نفت عراق تهیه بکنند این جوابی است که متخصیین ما دادند و این يك قسمتش هم مربوط بسؤال ۷ میشود سؤال هشتم - چه سیاستی باعث شد که شما برخلاف نامه خود با آقای نخست وزیر مبنی بر مخالفت با مواد قرارداد الحاقی تغییر رویه دادید ؟ بنده این دوسه را میگذارد در اختیار سر کار این تمام دوسه نفت است از اول تا باخر و بنده راجع باین قرار داد هیچ گزارشی بنخست وزیر ندادم که مخالف و موافق باشد فقط وقتی بنده و آقای جهانگیر و آقای عمل و آقای دکتر پیرنیا و نظام امامی مذاکراتمان به بن بست رسید يك پیشنهادی بدولت کردیم که این نظریات با اینجا رسیده و راه مذاکرات مسدود است و چاره ای در باره این امتیاز جز ارجاع بحکومت نیست این گزارش رسمی است که از طرف وزارت ماله بدولت داده شده است بعداً این موضوع بحث شد در دولت که ما باید این قضیه را رجوع کنیم بحکمت و با مشاورینمان هم مشورت کردیم یکی آقای پروفوسور زیدل در طهران و دیگری متخصصینی که در خارج داریم و نتیجه آن مشورتی که اینجا کردیم و نظریاتی که دادیم و آن جلسه ای که در وزارت خارجه شد و عده ای از آقایان هم با حرارت اظهار عقیده کردند که رجوع بحکومت مصلحت نیست ما چاره ای جز اینست که پیشنهاد مقابلی مجدداً بآنها بدهیم و باب مذاکرات را باز کنیم نداشتیم . این را باید بنده بگویم که بعد از این قضیه ما پیشنهاد دادیم بآنها آنها رفته بودند و حاضر هم برای قبول پیشنهاد نبوده ما پیشنهاد دادیم بآنها آنها حاضر شدند که مجدداً بیایند و این قرارداد بسته شد والا درباره این قرارداد هیچ گزارشی از طرف بنده و وزارت دارائی با آقای نخست وزیر داده نشده بود (دکتر بقائی - ولی بنده با مدارک این موضوع را تکذیب میکنم) ابدأ و اصلاً بنده از روزی که شروع کردم باز اینجا بطور مترضه عرض میکنم ایجاد يك سوء تفاهمهایی شده است که خیال میکنند که این صورتی که من اینجا خواندم این از وزارت مالیه صادر شده است و این اشخاص را من دعوت کردم ، خیر من کسرا دعوت نکردم ، من حق دعوت نداشتم من بنخست وزیر نوشتم که آقا امروز که قضیه نقط مطرح است بنظر من وزیر دارائی این آقایان مصلحت هست که بیایند با من همکاری کنند بعد در کاغذی که بنده نوشته شده است جواب داده شده است که بجایالی از طرف دولت اختیارات ما و ماوریت داده میشود که با نمایندگان کمیانی فقط جنوب که قریباً وارد تهران میشوند در زمینه دستوراتی که از طرف هیئت دولت تهیه شده است مذاکرات را شروع و برای استیفاء حقوق ایران منتهای جدیت را بفرمائید . برای کمک فنی در امور مربوطه هیئت مرکب از جناب آقای دکتر شادمان وزیر اقتصاد ملی سابق و آقای جهانگیر معاون بانک ملی ایران تشکیل و بعضوت آقای دکتر پیرنیا و آقای نظام الدین امامی خوئی نیز دعوت میشود فردای آن روز هم يك كفاغذی نوشته شد و جناب آقای عمل را هم معرفی کردند (دکتر بقائی این جواب را دبروز چرا ندادید) (الان میخوانم بنده آنروز هم که این صورت را خواندم گفتیم این اشخاص بودند ، چرا این حرف را زدم برای اینکه

آقای مری زاده متکرر این شده که اصلا از این جریانات **سبوتک با هویتی** از ایشان شده و بنده صیانی شدم **گفتم** آقا این مراسم رسمی آقای نخست وزیر **با آقای تقی زاده** این یادداشتی که آقای تقی زاده خودشان امضاء کردند خودشان قلم بردند من نمیگویم که از وجود ایشان بنده استفاده نکرده ام چرا که خیلی هم استفاده کردم از وجود ایشان و خیلی هم ممنون هستم از این کمکی که با کرده و ولی من از این باب متاثر شدم که اشغاف حتی حاضر برای قبول اینهم نیستند که در یک دستگاهی وقتی شرکت میکنند، عرض کنم که باید بگویند هم شرکت کردیم میگویند چکار دارید که مسئولیت برای ما باشد یا نباشد آن چیزی که بنده گفتم اینست که در این جریانات یک اشغافی که اینجا بنده صورت دادم من از نخست وزیر تقاضا کرده بودم و از فراری که آقای نخست وزیر فرمودند بعضیها خودشان مصلحت ندانستند دعوت کنند با بعضیها هم که صحبت کردند خودشان حاضر نشده بودند و در نتیجه همانطور که بنده گفتم تنها کسانی که با ما همکاری میکردند جناب آقای عدل بودند، نصرالله جهانگیر معاون بانک ملی بود آنهم بمناسبت اینکه سالها رئیس اداره نفت بود یکی از مأمورین بسیار باک اینمملکت است (صحیح است) آقای دکتر پیرنیا که اصلا رئیس این دستگاه است رئیس اداره امتیازات و نفت آقای نظام الدین امامی که کیس دولت است در آنجا و ناچار به پرونده های گذشته رسیدگی کردم و آنها را مطالعه کردم تمام سوابق را دیدم و یک اشاره ای که اینجا راجع به سه ستاره شد ناچارم این تذکر را بدهم آقای مکی که بنده در این قرار دادی که در روز خواندم نظر تقید نسبت به کسی نداشتم و بقیه بنده بعضی از مواد قرار داد سه ستاره از قرار داد ۱۹۳۳ هم بهتر است این را هم حاضریم بحث بکنم، بحث در این بود که چون اینجا تردید شده بود که صحبت تمدید مدت امتیاز در هیچ زمانی و هیچ عصری نشده بود و فقط آن دفعه اخیری که قرار داد ۱۹۳۳ داشت یا اراف میشد آنها فشار آوردند که تا سی سال تمدید شود ما قبول نمیکنیم و اعلیحضرت فقید هم فرمودند نمیشود و بعد هم راضی شدند خواستم این را توضیح بدهم که اینطور نیست و این موضوع سی سال تمدید از چهار سال قبل مطرح بوده و وزیر دارائی وقت همین قرارداد سه ستاره را با خط خودشان در اینجا نوشته اند تا اینجا ملاحظه شد تا اینجا خوانده شد تا اینجا تصویب شد تا اینجا قرائت شد این قراردادی است که تصویب شده یا هیئت دولت وقت این را تصویب کرده در سال ۱۳۱۱ و این قرارداد را برای لندن فرستاده اند و باعتبار این قرار داد صد هزار لیره مساعدت خواسته اند و این کاغذ را هم که خواندم برایتان تلگراف تیمور تاش را هم خواندم و خیلی متأسفم که کاغذی که آقا خواندند نمره نداشت، وقتی کاغذی رسمیت دارد که در یک پرونده کلاسه شده باشد والا ممکن است که بنده هم یک کاغذی بنویسم و بعد از چهار سال دیگر هم بگویم که تمام نظریات من آن کاغذی بود که توی خانه ام بود، نه آقا، آنکه بنده توی این دوسه گذاشته ام آن رسمیت دارد نه اینکه توی خانه من یک کاغذی باشد یا نباشد بهر حال امروز منظور من بحث در اطراف آن قرارداد نبود و بعضی

از مواد آن قرارداد را هم بنده تصدیق میکنم که خوب بود (دکتر بقائی - مهارت حضرتعالی را متعین میکنم ولی این جواب ناظر بسؤالی که از شما گرفته شد نبود) و بدلیل جنک و بدلیل شکایتی که وزارت مالیه هر روز کرده و بدلیل اینکه تاکنون هم مربوط باین دستگاه نبوده و روزی نیست که شکایت بکمیانی نشود و از کمیانی شکایت نکنیم مادون چیز از کمیانی خواستیم و خواهیم خواست اعم از اینکه مذاکرات در بین بود یا نبود یکی راجع بساختن تصفیه خانه بندر معشور بود که قبل از جنک شروع شده بود ولی علت جنک متوقف شد و یکی هم راجع بساختن اسکله بندر عباس است برای اینکه آنجا کشتیهایشان بتواند برود و فقط قسمت کرمان و بلوچستان و بندر عباس برسانند که محتاج به نطق با طرف نباشند که اینقدر گران باشد. تعریف ذخیره عمومی را از من پرسیدید عرض میکنم که اینجا یک بحث مفصلی بنده باید بکنم که وقت مجلس اجازه نمیدهد. ذخیره عمومی با ذخائر دیگر فرق دارد در خود قانون تجارت هم اگر ملاحظه بفرمائید یک ذخائری پیش بینی شده است که مثلا فرض بفرمائید مثل ذخیره استهلاک یعنی اگر بخواهند بیلابلی برای این مجلس بدهند باید یک ذخیره ای برای استهلاک این اثاثیه، این فرش، این قالی بنویسند، شرکت هم بکند دستگاهائی دارد مثل نطق کش و امثال آن که اینها یک ذخیره استهلاکی دارد برای اینکه یک ذخیره ای دارد که مطابق اساننامه پیش بینی شده است و ذخائر دیگر هم دارد که ذخائر سهام اولیه است که این اعم از اینکه شرکت فایده ببرد یا ضرر ببرد ۵۰٪ (پنج در صد) ذخیره دارد که اینها باید ذخیره شود یا ذخائر فرض بفرمائید پیش آمد های غیر مترقبه یا ذخائر جنک وقتی که این ذخیره تمام شد بقیه هر چه دارد میرسد ذخیره عمومی، چرا ذخیره عمومی در ظرف این دو سال بالا رفت برای اینکه مقرراتی از دولت انگلستان وضع شد برای این که انقلابیون نشود سود سهام شرکتها بیست و پنج در صد بیشتر نباشد یعنی ۳۰ در صد بیشتر توزیع نکنند ناچار این مبلغ را اینجا کجا میتوانستند بپردازند بخرید ذخیره عمومی در سال ۱۹۴۷ چهارده میلیون در سال ۱۹۴۸ شانزده میلیون ذخیره عمومی بردند این ذخیره عمومی هیچ ارتباطی بسایر ذخائر ندارد بحث ما با این آقایان این است که ما میگوئیم که ما از سهام ذخائر حق داریم نهایت یک عبات ماده ۱۰ قسمت فرانسه اش که گفتمم بر فرسور ژیندل هم نظر ما را تأیید کرده است و آقایان هم گفته اند چون بر فرسور ژیندل این حرف را زده است ما نمیتوانیم قبول بکنیم حق شما چه نسبت بخرید عمومی و چه نسبت بسایر ذخائر اگر حق داشته باشید در موقع تقسیم رزرو یا در موقع خاتمه امتیاز است، الان هم نه ما میخواهیم رزور را تقسیم کنیم و نه خاتمه امتیاز است و اینکه از ذخیره عمومی شما میخواهید بنظر آنها یک ارفاقاتی است که میگویند بجای اینکه در آخردوره بپردازیم الان سال بسالتش را بدهیم و آن ماده چهار میگوید در نظر شما آنقدر پیچیده است صراحت دارد که مالیات بردرآمد که دولت انگلیس میگیرد بخرید عمومی علاوه میکنند و بیست درصد بماندند پس ذخیره عمومی بسایر ذخائر هیچ منافسیتی ندارد و این چیزی هم که ما نوشتم نسبت بخرید عمومی است

برای اینکه ذخیره عمومی بکسب میانی است که سال بسالت علاوه میشود و این سی میلیون که الان در ذخیره آنها تا حال جمع شده است چون در سال ۱۹۳۸ ذخیره عمومی را تقسیم کردند و با هم سهم مان دادند و حال بیست درصد بقیه اش مانده است و همینطور اضافه شده حالا سی میلیون شده است که از این سی میلیون اگر مطابق امتیاز نامه فعلی بماندند ۶ میلیون لیره بماندند ولی اگر مالیات بردرآمد دولت انگلیس را که الان به ۹ شلینگ است اضافه بکنیم نتیجه اش این است بجای شش میلیون، یازده میلیون میدهند حالا اگر میگوئید که عمل فغظی است و یازده میلیون کمتر از شش میلیون است حرفی نداریم کما اینکه آقای آزاد گفتند من ثابت میکنم که شش شلینگ کمتر از چهار شلینگ است خوب انشتن هم میگوید دودوتا میشود پنج تا و ممکن است یک روزی هم دودوتا بشود پنج تا. سؤال دیگر، چرا حالا که ارکان قرارداد ۱۹۳۳ متزلزل شده است شما این اصرار را دارید بنده اصرار ندارم بایستی روز اولی که این موضوع اینجا مطرح شد خواستم جلسه سری بشود آقایان خیال کردند کما از این جلسه سری نظری داریم که مجلس را مجبور بکنیم که هر چه ما میخواستیم قبول بکنند یا خیال کردند که ما در دوسه هاما یک جنایاتی یک چیز هائی مرتکب شده ایم که ما میخواستیم هیچکس نفهمد، نمیخواستیم این حرفها را اینجا بزنیم حالا آقا اصرار کردید بنده را مجبور کردید این حرفها را این جا بزنیم و چیز هائی که توی این دوسه بود بایستی این دلایل بماند و کسی نمیفهمد آقا آفتابیش کردید حالا این عمل را عرض میکنم که خوب بود یا بد بود این را قضاوتش را تاریخ میکنند من نمیخواستم بگویم که این قرارداد بقول آقا لعنتی یا برجا هست من نمیخواستم از ذهن من وزیر دارائی پشت تریبون این حرف زده بشود ولی شما مرا مجبور کردید که من اینجا بیایم و نظر حکمها را بخوانم نظر اشغافی را که گفته اند اگر بحکمت برود برای شما خطرناک است این جا بگویم جز این که این حرف این جا زده بشود و من میدانم که این بضرر مملکت است شما اصرار کردید که وزیر دارائی این جا بکنید که وزیر مالیه این اظهارات را بکنند راجع به امتیاز نامه سابق حالا کرده بخارید (دکتر بقائی - راجع بحکمت از لندن چه تلگراف شده بود ما هم میدانیم ولی نمیگوئید برای مصلحت مملکت در هر صورت یک قرار دادی است داده شده است و نسبت باین قرارداد نظر این بوده است که مجلس نقیب یا انبأ اظهار نظر بکنند و تکلیف را روشن بکنند حالا هم تکلیفش با خود مجلس است مجلس تشخیص میدهد که این قرارداد بمصلحت مملکت نیست یا نهایت شهادت رأی میدهد که بمصلحت مملکت نیست رد میکنند، تشخیص میدهد که بمصلحت مملکت است رأی میدهد و موافقت میکند تشخیص میدهد که غیر رأی نباید داد مسئولیتش با خود مجلس است و عواقبش هم با خود مجلس است

شریعت زاده - آقای رئیس اخطار نظامنامه ای دارم
رئیس - بر طبق چه ماده ای ؟
شریعت زاده - بر طبق ماده ۸۹ بنده بسیار

متأسف هستم در موقع مباحثه در این موضوع و نه دوم است که اخطار میکنم، اولین اخطار بنده راجع بخرود از موضوع بود که من با دقیقترین وجهی مطالعه کردم در ماده ۸۹ و بطور قطع تشخیص دادم که بسیاری از مطالبی که همکار محترم بنده آقای مکی با حسن نیت فرموده اند و از این حیث که با حسن نیت گفته اند مورد احترام من است در عین حال خارج از موضوع و غیر مرتبط با موضوع بوده است (مکی - کدام قسمتش خارج از موضوع بود) ولی متأسف هستم که جناب آقای رئیس مجلس شورای ملی آن اخطار بنده را مورد توجه قرار ندادند امروز باز اوضاع تأسف انگیز دیشب موجب شد که یک اخطار دیگری بکنم و آن اخطار مستند است باده ۸۹ از نظر همان ماده ای که رفقای مخالف بدان استناد پنج روز است که وقت مجلس شورای ملی را صرف میکنند البته آقایان در نظر دارند که این ماده ۸۹ محدودیتهائی برای پاره ای از نطقها مقرر داشته است این محدودیتهای راجع است بموارد استبضاح و موافقت و مخالفت و برای دفاع از توهین و مواردی که در شرف ج حکمی مقرر میدارد که در بعضی موارد، از آن جمله مورد اعطاء امتیازات نامحدود است، غیر محدود است، بنده میخواهم برای اینکه توجه بکنم این اخطار را از زمانیکه کان تقاضی میکنم که کمال دقت را راجع باین توضیحاتی که عرض میکنم بفرمائید، اولاً آقایان باید توجه بفرمائید که طبق اصولی که در تمام شرایط و قوانین حکم اعتبارش مسلم است اینکه در شرایط و قوانین حکم ضروری یعنی حکمی که از انشائش از تصویبش ضرر یک جامعه ای وارد بشود انشاء نمیشود از اینجهت است که در موقع شك و تردید در دلالت معنی يك ماده ای که احتمالات متناقض یا مختلف برود اصل این است که آن احتمالی که طبق اصول است آن معتبر است

مدیران يك اشتباهی شده است اولاً از نظر قانون اساسی و دیدایش دموکراسی و مجالس شوری
رئیس - آقا اینها چه ربطی بباد ۸۹ دارد من خیلی گوش دادم بنهم چه میفرمائید میخواهم بدانم اینها چه ربطی دارد
شریعت زاده - بنده از جناب آقای رئیس استعفا میکنم اجازه بفرمائید
رئیس - من که گفتم باید برای مجلس بگذاریم من دومتربه گفتم راجع بامتیاز نامه و مقاله نامه و قرارداد که نامحدود است نطق و کمال بنده هم گفتم بته برای مجلس است چون رأی مجلس در هر امری قاطع است نه آنوقت اکثریت بود و نه ایشب که رأی گرفته بشود این اخطار را هم که بکنید بازم مربوط باین میشود که رأی گرفته بشود بالاخره برای هر کاری باید رأی گرفت
شریعت زاده - بنده از آقای رئیس تقاضی میکنم نظر با اهمیت مقامی که دارند با کمال رأفت و مهربانی توضیحات بنده را گوش بدهند و اگر نتایج عرایض بنده موجه نبود با کمال اقتضار هر نوع اعتراض و تفسیر ایشان را میپذیرم استعفا میکنم آقایان توجه بفرمائید که این جلسه یکی از جلسات تاریخی است
رئیس - این که میفرمائید یک چیز نظری ممکن است باشد والا من گفتم و این قضیه مطرح شد در مجلس ولی بایستی مجلس قضاوت بکند
شریعت زاده - اگر آقا این اجازه را میدهند که بنده هم عرض بکنم، شما جناب آقای رئیس قبول فرمودید که توضیحات بنده را گوش بدهید الان بنده مطلب را بیان میکنم که منظور مجلس شورای برای رسیدن به هدف و نمراس است، آن هدف و نمرعبارت است از اتخاذ تصمیم برای حل و عقد مضلات مملکت و هر جریانی که مخالف این مصود باشد ممنوع است

تصحیح
چون در صفحه ۴۸۵۷ روزنامه رسمی شماره ۱۲۹۴ جلسه دویست مجلس شورای ملی ستون وسط بین سطور ۲۳ و ۲۴ یک قسمت از نطق آقای مکی از قلم افتاده تمنا دارم آقایان مطالعه کنند گان اصلاح فرمائید
در انگلستان بمصرف خواهد رسید مشاهده میشود که مبلغ بالا تاوجه بعظمت نیاز مندیهای خود شرکت بترتیب این شیوع افراد تاجه اندازه ناچیز میباشد. بسلام، تازه چون اعضاء کمیسیون مصرف این وجه بنظر شرکت انتخاب فقط ریاست اسمی آن بانمایندگی ایران میباشد، بفرض وظیفه شناسی مأمور ایرانی نیز معمولاً هیچوقت نظریات او در صورتیکه برخلاف نظریات و مقاصد شرکت بوده باشد نمیتواند صورت عمل بخود بگیرد کما اینکه شرکت در طرز انتخاب عده ای که هر ساله بایستی بانگلستان فرستاده شوند بیوسته تغییر رویه داده و همواره بطرف راه حلی پیش میرود که اشخاص بردبارتر و کوتاه نظری که آزمایش انقیاد و کوچکی خود را داده اند، انتخاب نماید. خوشبختانه برای ایران نظر بروج بلند افراد ایرانی تاکنون هیچیک از این طریقهها نتیجه مطلوب

از نظر اصول، از این جا بنده نتیجه میکنم که مقصود از غیر محدود بودن این است که موارد بالا محدود نیست و نظر در این نیست که و کلا میتواند بدین استناد بخودشان حق ببندند که نطق های لایتنهای که نتیجه اش مغالط فره مقننه از انجام وظیفه باشد از چنین نطقی استفاده کنند (صحیح است) (دکتر بقائی - ولی وقتی برای حفظ نفع باشد مجاز است) اجازه بدهید بنا بر این ماده مقصودش این است که این قبیل نطق ها مثل نطق های قبل محدود نیست محدود یک ساعت معین نیست ولی معنایش این نیست که بقدری ایجاد مانع بشود که مجلس شورای ملی قادر بانجام وظیفه نباشد (مکی - خوشبختانه) از این نظر است و بنده معتقد هستم که در این مورد همکار بنده بیش از حد عادی وحد متداول در تمام مجالس شوری دنیا صحبت کرده اند و توضیحات لازم داده شده حالا باید وزیر دارائی یا یک نفر موافق صحبتی که دارد بکنند و مجلس دیگر بر طبق این ماده نمیتواند اجازه بدهد که ادامه پیدا بکند علاوه اینهم یکی از آن مواردی است که طبق ماده ۹۱ این اختیار را بجناب آقای رئیس مجلس شورای ملی داده است که ایشان هم وقتی تشخیص دادند که مذاکرات بنظرشان کافی است و لازم برای نخواهد بود بنده هم همین پیشنهاد را میکنم
مکی - یک موافق يك مخالف باید حرف بزند
ختم جلسه
رئیس - بنده دوسه دفعه گفتم که مجلس باید این را رأی بدهد، جلسه را ختم میکنم جلسه آتیه بروز پنجشنبه ساعت ۹ صبح موکول میگردد (مجلس - ساعت دوازده ونیم شب ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت

را بشرکت نفت نداده است
۱۰ - کمیانی در ده ساله آخر امتیاز و یادوسال قبل از ترک امتیاز، نمیتواند چیزی از وسائل و ابنيه و اراضی و اموال غیر منقول خود را بجز وسائلی که از حیز انتفاع افتاده باشند بفرزانش که بجا تا به فروش رساند
۱۱ - ماده ۲۱ - اصل حسن نیت و تفسیر معقول مواد امتیاز توسط طرفین را متذکر میشوند و کمیانی متعهد میشود که منافع ایران را همواره در نظر داشته باشد ولی در مقابل هیچگونه جریمه ای (در صورتیکه برخلاف آنهم اقدام شود) پیش بینی نشده سهل است در آخر ماده اظهار میشود که (این امتیاز را دولت لئو نخواهد کرد و مفاد مقررات آن در آتیه بوسیله هیچ قانون عمومی و خصوصی و یا هیچیک از دستورات و نظامات اداری و یا عملیات مقامات اجرائیه قابل تغییر نخواهد بود

شماره ۱۰۵۱۶-۵۴۱۴ ۲۸۴۲۸

آقای موسی ناطقی ملکی
بموجب این ابلاغ دفتر شما را در قریه ملک
کندی دهمستان گاو دول مراغه برای ثبت ازدواج
رسمیت میدهد .

وزیر دادگستری

شماره ۱۰۵۱۰-۵۲۰۲ ۲۸۴۲۸

**آقای ابوتراب امامی سردفتر اسناد رسمی
و ازدواج و طلاق کاشان**

بموجب این ابلاغ رفع تعلیق شما را از تصدی
دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق اهلام میدارد طبق
مقررات مشغول انجام وظیفه شوید .

وزیر دادگستری

شماره ۹۸۷۴-۵۴۲۹ ۲۸-۴-۲۰

**آقای فضل‌الله شاردی مناهجی سردفتر
اسناد رسمی سابق سلدوز**

بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی
درجه سوم اهواز منصوب میشود طبق مقررات
مشغول انجام وظیفه شوید .

وزیر دادگستری

شماره ۱۰۹۷۹-۵۹۹۷ ۲۸-۵-۱

**آقای سیدحمزه افتخاری سردفتر ازدواج
سابق طالقان**

بموجب این ابلاغ دفتر شما را در قراه بادسر-
سیراجان- خیکان- دیزان-میران - مازیان برای ثبت
ازدواج رسمیت میدهد .

وزیر دادگستری

شماره ۱۰۸۰۲-۶۰۴۱ ۲۸-۵-۲

آقای سید ابراهیم نبوی طباطبائی سردفتر

اسناد رسمی بروجرد

بموجب این ابلاغ دفتر شما را در شهر بروجرد
برای ثبت ازدواج رسمیت میدهد .

وزیر دادگستری

شماره ۱۰۵۲۰-۵۴۰۴ ۲۸-۴-۲۸

**آقای کمال‌الدین کمال بروجردی سردفتر
اسناد رسمی و ازدواج شهر اصفهان**

بموجب این ابلاغ استعفاي شما از تصدی دفتر
ازدواج پذیرفته می شود .

وزیر دادگستری

شماره ۱۰۸۳۶-۶۰۳۱ ۲۸-۵-۲

**آقای سید یدالله جزایری سردفتر
ازدواج و طلاق قریه جوقان**

چهار محال اصفهان

نظر باینکه بر اثر گزارش واصله مرتکب
تخلیقاتی شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹
قانون دفتر اسناد رسمی شما را از تصدی دفاتر
ازدواج و طلاق معلق مینماید .

وزیر دادگستری

شماره ۱۰۵۲۴-۵۱۲۰ ۲۸-۴-۲۸

آقای غلام‌صدرائی سردفتر ازدواج و طلاق

قریه اشلق میانه

نظر باینکه بر اثر گزارش واصله مرتکب تخلیقاتی
شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۳۹ قانون
دفتر اسناد رسمی شما را از تصدی دفاتر ازدواج
و طلاق معلق مینماید .

وزیر دادگستری